

چکیده مقاله

خشونت استفاده کنند و تروریستی باشند که به همین دلیل به عنوان سازمان غیر دولتی شناخته نخواهند شد. اگر چه این تعریف منحصر به فرد باعث به وجود آمدن برخی مسائل شده است^۴ اما هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که نشان دهد سازمان ملل متحد نیز از الگوی مشابهی پیروی می‌کند.

رابطه میان سازمانهای غیر دولتی و سازمان ملل متحد در حال حاضر تحت بررسی مجدد است البته شرایط ویژه اینگونه سازمانها در قطعنامه^۵ ۱۲۹۶ شورای اقتصادی و اجتماعی تبیین شده است. بر اساس شرایط یاد شده، اینگونه سازمانها باید دارای جایگاه شناخته شده بین المللی باشند و شمار قابل ملاحظه‌ای از مردم را نمایندگی کنند. این سازمانها باید منعکس کننده نظرات اغلب کسانی باشند که در حوزه مشخص فعالیت سازمان فعالند و در حد امکان تعداد چشمگیری از کشورها را در مناطق مختلف دنیا تحت پوشش قرار دهند.^۶ ضمناً این قطعنامه ساختار مورد نیاز اینگونه سازمانها را مهندسی نموده که شامل مراحل تصمیم‌گیری، حق رأی اعضا و مشکل بودجه می‌باشد.^۷

سازمانهای غیر دولتی در نیمه دوم قرن بیستم به طور فزاینده‌ای در همه نقاط جهان گسترش یافته‌اند. بسیاری از این بازیگران فرامرزی در شطرنج سیاست بین المللی چهره‌های جدیدی هستند، چرا که این عرصه صحنه تاخت و تاز انحصاری دولتها بوده است. در برخی موارد سازمانهای غیر دولتی جایگاه رفیع و مقبولی در چشم بازیگران جهانی پیدا کرده‌اند. یکی از نمونه‌های بارز این مسئله، محدوده فعالیت‌های مربوط به حقوق بشر است که در آن «عفو بین الملل» از معروفیت خاصی برخوردار می‌باشد. عفو بین الملل فعالیت‌های خود را در سال ۱۹۶۱ آغاز نمود و از اولین فعالیتهای این سازمان ارسال گسترده نامه‌هایی به دولتها بود تا افرادی را که صرفاً به دلیل اظهار نظر اتشان و نه به جرم ارتکاب اعمال خشونت آمیز محبوس شده بودند آزاد نمایند. از آن پس و بویژه در خلال دو دهه گذشته، عفو بین الملل حوزه فعالیت‌های خود را گسترش داده و در زمینه تحقیق، پژوهش و تجزیه و تحلیل الگوهای بین المللی تخطی از حقوق بشر نیز

مقاله حاضر کاوشی درباره نقش و تأثیر سازمانهای غیر دولتی در عرصه جهانی است. نقش آفرینی این سازمانها بویژه پس از دهه ۱۹۵۰ میلادی هر ساله بیشتر و پررنگتر شده است. با توجه به اینکه، اینگونه سازمانها فاقد پشتوانه و بودجه دولتی هستند، از چه پارامترهای قدرتی در صحنه جهانی برخوردارند و ابزارهای نفوذ آنان چیست؟ و از چه کانالهایی برای نفوذ گذاری استفاده می‌کنند؟ شاید بهترین تعبیر این باشد که اینگونه سازمانها را قایقهای یدک کش در عرصه بین المللی بدانیم که می‌توانند حرکت‌های پویولستی را در سطح جهان نهادینه سازند و بدین ترتیب تهدیدی نسبت به حاکمیت دولتها باشند. از مهمترین موضوعات فعالیت این سازمانها مقولات حقوق بشر، محیط زیست و توسعه است که به عنوان مطالعه‌ای موضوعی به ارزیابی عملکرد این سازمانها در زمینه حقوق بشر خواهیم پرداخت.

مقدمه

سازمان ملل متحد که دارای ساختاری بین دولتی است بر اساس ماده ۷۸ منشور ملل متحد رابطه‌ای رسمی را بین خود و سازمانهای غیر دولتی (Non-Governmental Organizations) به وجود آورده است.^۱ واژه «غیر دولتی» ذاتاً و به طور تلویحی متضمن معنایی منفی است. این سازمانها می‌توانند هر سازمانی را که خارج از حیطه و شمول دولتها باشد، شامل شوند. با وجود این معلوم نیست که يك سازمان تا چه اندازه باید از لحاظ مالی و سیاسی از دولتها دور باشد تا بتوان وصف «غیر دولتی» را به آن نسبت داد.^۲ منشور ملل متحد که این واژه را پرداخته تلاشی در جهت ایضاح معنای آن به عمل نیاورده است. سازمان امنیت و همکاری در اروپا وقتی در دهه ۱۹۹۰ میلادی با موقعیت سازمانهای غیر دولتی مواجه شد، تلاش نمود تا خود تعریفی از آن ارائه دهد.^۳ در برداشت این سازمان، هنگامی سازمانهای غیر دولتی به رسمیت شناخته می‌شوند که در ساختار قانونی کشورهای خود جای گرفته باشند. تنها محدودیت در این زمینه سازمانهایی هستند که آشکارا از

سازمانهای

غیر دولتی و نفوذ

آنها در جامعه

جهانی

دکتر رضا سیمبر

عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

● سازمانهای غیر دولتی
به عنوان بازیگران جدید
جهانی منعکس کننده منافع
بازیگران غیر دولتی به شمار
می روند.

کرده است تا بدان حد که می تواند خود را صاحب قدرت در زمینه هایی بدانند که در گذشته صرفاً در قلمرو اختیار دولتها بوده است. وانگهی، سازمانهای غیر دولتی مدعی مشروعیتی فراتر از مشروعیت دولتها هستند چرا که خود را نمایندگان مستقیم مردم می دانند اما به هر حال جای این پرسش هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ تجربی باقی است که آیا رشد اینگونه سازمانها به معنی فرسایش و تحلیل حاکمیت دولتهاست؟ دولتها منعکس کننده معنای رسمی و دیپلماتیک حاکمیت هستند و حاکمیت غالباً تا حد زیادی مشروط به شروط مختلفی است و از لحاظ اجتماعی در مقام عمل درباره آن تصمیم گرفته می شود.^۹ این در حالی است که باید گفت نفوذ نسبی سازمانهای غیر دولتی پدیده ای ساکن و ایستا نبوده و تأثیر آنها بر سیاستهای دولتی تغییر یافته است و به مرور زمان نیز دستخوش تغییرات بیشتری می گردد.

در قرن بیستم سازمانهای غیر دولتی نقش پراهمیتی از حیث بالا بردن توقعات از دولتها درباره حقوق بشر داشته اند. دولتها تشویق شده اند تا در این زمینه روندهای ارائه گزارش، بازرسی و نظارت را بین خود بهبود بخشند. نباید تصور شود که دولتها به شکل خودجوش و مشتاقانه این کارها را انجام داده اند بلکه این تغییرات در موارد بسیاری زائیده فشارهای دیپلماتیک و مردمی بوده که بر دولتهای گوناگون اعمال شده است. برای نمونه سازمانهای غیر دولتی فعال در زمینه حقوق بشر مانند عفو بین الملل در بالا بردن فشار از طریق تغذیه اطلاعاتی مردم و دولتها از یک سو، و از طریق ارتقاء و توزیع ابزارهای حقوق بشری از سوی دیگر مهارت و تجربه ویژه ای کسب نموده اند. وانگهی، به کمک چنین سازوکارهایی است که سازمانهای غیر دولتی توانسته اند هنجارهای جدید را مدون سازند و آنها را در عرصه بین المللی نافذ کنند. این روند افق حاکمیت دولتها را تغییر داده و روابط میان آنها و شهروندانشان و دیگر بازیگران جهانی را نیز دگرگون ساخته است.^{۱۰}

در اینجا دو مقوله قابل بحث است: یکی نقش بین المللی سازمانهای غیر دولتی در رابطه با پای بندی دولتها به حمایت از حقوق شهروندان خویش و دیگر نقش و فعالیت سازمانهای

فعالیت نموده و بدین ترتیب اجازه یافته است به عنوان ارائه کننده اسناد و شواهد در زمینه های مربوط به حقوق بشر در جلسات سازمان ملل نیز شرکت کند. عفو بین الملل تنها یکی از سازمانهای موجود در شبکه ملی و بین المللی سازمانهای فعال در عرصه حقوق بشر است در این رابطه می توان به کمیسیون بین المللی حقوقدانان، (International Commission of Jurists) کمیته بین المللی صلیب سرخ (International Committee of the Red Cross) و سازمان دیده بان حقوق بشر (Human Rights Watch) اشاره نمود که هر یک به نوبه خود تلاش می کنند از طریق اعمال فشار بر دولتها آنها را وادار به متابعت از اصول کلی حقوق بشر نمایند. از این گذشته شبکه رو به رشدی از سازمانهای غیر دولتی فعال در زمینه امور زیست محیطی نیز در حال شکل گیری است. این سازمانها می کوشند دولتها را به متابعت از استانداردهای بین المللی زیست محیطی پای بند سازند. سایر سازمانهای بین المللی غیر دولتی مانند آکسفام (Oxfam) پروژه های توسعه اقتصادی را شکل داده و به اجرای طرحهای بشردوستانه و اقتصادی با استفاده از کمکهای غیر دولتی پرداخته اند. نقطه اشتراک همه سازمانهای غیر دولتی این است که خارج از حوزه فعالیت دولتها عمل می کنند و در حالی که گاه چالشی در مقابل دولتها به شمار می روند گاهی نیز تکمیل کننده خدمات ارائه شده دولتی محسوب می شوند.

از منظر تاریخی سازمانهای غیر دولتی وابسته به سازمانهای بین دولتی برای فراهم ساختن مجاری عمل تشکیل شده اند. با وجود این، تا حدی به این دلیل که فعالیتهای بین المللی کماکان در انحصار دولتهاست، سازمانهای غیر دولتی کوشیده اند خود مجاری تازه ای برای عمل بیافرینند تا از طریق آنها بتوانند با آزادی بیشتری به فعالیت بپردازند. سازمانهای غیر دولتی نه تنها پارا از مرزهای ملی فراتر گذاشته اند بلکه نظام مستقل و مستقیمی از دیپلماسی غیر دولتی را از طریق شبکه های عمل خود آفریده اند.^۸

منابع اطلاعاتی، اقتصادی و فکری سازمانهای غیر دولتی آنها را از تخصص ویژه ای برخوردار

فعالیت‌های خود به مخاطره اندازند. کانون توجه محدود و متمرکز، تعهدات شدید اصولی، سطوح اطلاعاتی نسبتاً عالی و برخورداری از تخصص‌ها و منابع لازم برای فعالیت، این سازمانها را از دولتها متمایز می‌سازد.

حقوق بشر، محیط زیست و تهدیدهای فراروی دولتها

در گذشته مواردی مانند ارتباطات، تجارت و حفظ محیط زیست در سطح داخلی به دست دولتها قانونمند می‌شد. تبادل متقابل کالاها، خدمات و اطلاعات در سطح بین‌المللی باعث شد که دولتها به فکر ایجاد روابط چندجانبه قانونمندی در زمینه‌هایی مانند تجارت، استانداردهای پولی، ارتباطات و تکنولوژی افتند.^{۱۱} همین که تأثیرات اخلاقی، اقتصادی و قانونی اینگونه رژیمهای قانونمند به فراسوی مرزها رسید، خود این موضوعات نیز بین‌المللی شد و غالباً در تضاد با اهداف دولتهای خاص قرار گرفت. حجم فزاینده نوشته‌ها درباره حکومت جهانی بر رشد رژیمهای بین‌المللی که فعالیت دول را در خصوص زمینه‌های مشخص سازماندهی می‌کنند، دلالت دارد. رژیمهای قانونی به عنوان ابزاری برای پی‌جویی منافع حکومتها در نظر گرفته شدند. اینها رژیمهایی بودند که در پاسخ به تقاضاهای مختلف مبنی بر قانونمند نمودن تبادلات سودآور بین‌المللی شکل گرفته بودند.^{۱۲}

بنابراین مفهوم رژیمهای قانونی، علی‌الاصول مفهومی حکومت-محور بوده است، هر چند سازمانهای غیردولتی نیز حول نهادهای شکل گرفته از اینگونه رژیمهای بین‌المللی جمع آمده‌اند تا در زمینه‌های خاصی به فعالیت بپردازند. هنجارهای حقوق بشر دولتها را اداره می‌کنند تا به مقام انسان هم در سطح بین‌المللی و هم به عنوان شهروند خود احترام گذارند. در مقایسه با اصل شناخته شده «حاکمیت ملی» که در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ نیز درج گردیده است، اصل حمایت از جایگاه و مقام بشر نسبتاً از اصول جدید حقوق بین‌الملل

غیردولتی در قبال محیط زیست. هر دوی این موضوعات در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی حائز اهمیت هستند و سازمانهای غیردولتی به عنوان بازیگران جدید جهانی منعکس کننده منافع بازیگران غیردولتی به شمار می‌روند. در تعقیب تحقق اهداف زیست‌محیطی نیز اینگونه سازمانها همان اشتیاق مشابه در زمینه‌های حقوق بشر را از خود نشان می‌دهند. از این گذشته هر دو گونه این سازمانها در تلاشند تا اجماعی بین‌المللی درباره حقوق بشر و محیط زیست حاصل شود تا بدین ترتیب دولتهای گوناگون به اطاعت از هنجارهای جدید قانونی و رفتاری وادار گردند. اما تا به امروز این سازمانها دورفتار گوناگون به صورت تأکید بر مشارکت از طرق دولتی یا ایجاد شبکه‌های مستقل در خارج از مجاری دولتی از خود نشان داده‌اند. سازمانهای غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر تأکید عمده‌ای بر پای بندی دولتها به هنجارهای حقوق بشر دارند و در نتیجه به مجاری بین دولتی برای عمل مؤثر امیدوارانه‌تر می‌نگرند. این در حالی است که سازمانهای فعال در زمینه محیط زیست به میزان بسیار کمتری به مجاری اقدام دولتی توجه دارند و در این زمینه سعی می‌کنند هر چه بیشتر به شکل مستقل عمل نمایند.

چرا و چگونه چنین سازمانهایی بر دولتهای جهان تأثیر می‌گذارند؟ سازمانهای غیردولتی در موضوعات مورد نظرشان منعکس کننده اندیشه‌ها و ارزشهای متمرکزی هستند که بالقوه از جذابیت برخوردارند. تعهد این سازمانها به اصول ویژه مانند حقوق بشر و محیط زیست آنها را قادر می‌سازد تا مشارکت اعضای با انگیزه را در سطح جهانی جلب کنند. این اعضا داوطلبانه منابع مالی و نیروی انسانی خود را برای جمع‌آوری اطلاعات گسترده و تخصصهای لازم فراهم می‌سازند. التزام به یک رشته ملاحظات مشخص، سازمانهای غیردولتی را قادر می‌سازد تا نسبت به سیاستهای گزیده دارای نفوذ گردند. این در حالی است که دولتها باید در برابر تقاضاهای گوناگونی پاسخگو باشند. این مسئله از لحاظ بین‌المللی برای سازمانهای غیردولتی نوعی مزیت محسوب می‌شود. بویژه که سازمانهای غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر و محیط زیست می‌توانند حاکمیت دولتها را از خلال

● نقطه اشتراك همه سازمانهای غیردولتی این است که خارج از حوزه فعالیت دولتها عمل می‌کنند و در حالی که گاه چالشی در مقابل دولتها به شمار می‌روند گاهی نیز تکمیل کننده خدمات ارائه شده دولتی محسوب می‌شوند.

محسوب می‌شود.^{۱۳} الزامات حقوق بشر، بالقوه گزینه‌های سیاست‌گذاری دولت‌ها را محدود نموده است. بنابراین عملاً، تقاضاهای بین‌المللی مبنی بر رعایت شرایط مربوط به حقوق بشر با اصل قدیمی‌تر عدم دخالت در امور داخلی کشورها منافات دارد. بنابراین بعد اخلاقی حقوق بشر، یعنی اندیشه‌ای که آن را جزئی از الزامات عملی کشورها در هر شرایطی می‌داند با اصل حفظ منافع رژیم‌های سیاسی در تضاد است.

در زمینه مسائل زیست محیطی، سازمان‌های غیردولتی ملاحظات بشر دوستانه و محافظه کارانه‌ای را برای بهروزی همهٔ ابناء بشر و حفظ طبیعت در نظر دارند. مانند حقوق بشر در اینجا نیز، تقاضای بین‌المللی برای حفظ محیط زیست در محدودهٔ مرزهای یک کشور، بالقوه می‌تواند با اصل حاکمیت دول در تضاد باشد. برای نمونه، جامعهٔ بین‌المللی خواهان حفظ جنگلهای انبوه برزیل است چرا که آن را میراث همهٔ جهانیان می‌شناسد. با این حال، دولت برزیل استفاده از جنگل را برای اهداف اقتصادی حق شناخته شدهٔ خود می‌داند.^{۱۴}

حال که شکل دادن به رژیم‌های بین‌المللی باعث کمرنگ شدن حاکمیت دولت‌ها می‌شود سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی فعال در زمینهٔ حقوق بشر و محیط زیست بواسطهٔ تقاضای اعمال برخی اصول اخلاقی ویژهٔ چالش‌های گوناگونی را در مقابل حکومتها مطرح می‌سازند. حمایت از حقوق بشر و اصول زیست محیطی تنها با حرف و سخن متحقق نمی‌شود بلکه به روندهای عملی و حمایتی نیز محتاج است. تحقق این مسئله و ایجاد تغییر، غالباً دارای هزینه‌های سیاسی و اقتصادی هنگفتی است که دولت‌ها میلی به تحمل آنها ندارند و اصرار سایر بازیگران را نوعی مداخله در امور داخلی خود محسوب می‌کنند. با توجه به این دلایل به نظر می‌رسد دولت‌ها از گسترش هر چه بیشتر استانداردهای محدود کننده پرهیز دارند.

ابزارهای نفوذ سازمان‌های غیردولتی:

علل تأثیر گذاری

نفوذ سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در

سالهای اخیر به میزان آشکاری افزایش یافته است. یکی از دلایل اصلی این امر تفاوت آنها با حکومتهاست. نخست، سازمان‌های غیردولتی صرفاً بر موضوعات محدودی تکیه دارند در حالی که دولت‌ها باید عملکردهای متفاوتی داشته باشند که حفظ امنیت ملی بالاترین اولویت را در میان آنها دارد. برای نمونه، عملکرد سازمان عفو بین‌الملل باعث شده تا این سازمان غیردولتی عمدهٔ فعالیت‌های خود را روی بیانیهٔ جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر ابزارهای قانونی بین‌المللی متمرکز کند. گروه‌های زیست محیطی نیز با وجود پیچیدگی‌های مسائل مربوط به محیط زیست دارای ملاحظات سیاسی محدودتری در مقایسه با دولت‌ها هستند.

دوم، می‌توان گفت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به اصول خود پای بندترند، اصولی که دولت‌ها گاهی به دلیل حفظ منافع خارجی، به فراموشی می‌سپارند اما سازمان‌های غیردولتی در سطوح ملی افکار عمومی را دربارهٔ آنها تهییج می‌کنند تا قدرتمندان تر عمل نمایند. مداخلهٔ بازیگران داخلی به سازمان‌های غیردولتی اجازه می‌دهد تا از درون مرز به حکومتها فشار آورند و آنها را با بحران مشروعیت مواجه سازند. این سازمان‌ها در سطح بین‌المللی نیز با تکیه بر اصول بشر دوستانه و افکار عمومی جهانی، اعمال فشار بر دولت‌ها را دنبال می‌کنند. این در حالی است که قرائن نشان می‌دهد دولت‌ها نسبت به این که سایر بازیگران بین‌المللی چگونه به آنها می‌نگرند بسیار حساس هستند و بنابراین در برخی شرایط فشار بین‌المللی می‌تواند حوزهٔ عمل دولت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.^{۱۵} به هر حال اگر این سازمان‌ها نتوانند ارتباط لازم را با بازیگران ملی در داخل کشورها برقرار سازند بعید است که از نفوذ گسترده‌ای برخوردار شوند. این مسئله بویژه در مورد حکومت‌های سرکوبگر که هر نوع فعالیت مردمی را محدود می‌کنند به خوبی هویداست.

سوم، سازمان‌های غیردولتی در مقام مقایسه با دولت‌ها نسبت به امور مورد نظرشان از تعهد بیشتری برخوردار هستند، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی با موضوعات متفاوت و گوناگونی سروکار دارند در حالی که سازمان‌های غیردولتی تنها در یک یا

● بیطرفی، ایمان
به اصول، و برخورداری از
تخصص‌های ویژه،
سازمان‌های غیردولتی را
قادر می‌سازد تا بالقوه بر
سازمان‌های بین‌المللی
دولتی تأثیر بگذارد.

طول زمان سازمانهای غیردولتی در مقایسه با هر دیپلمات دیگری از دانش و نظرات جامعتری نسبت به مسایل مورد نظر خود برخوردار باشند. به طور کلی بیطرفی و ایمان به اصول و برخورداری از تخصصهای ویژه، سازمانهای غیردولتی را قادر می‌سازد تا بالقوه بر سازمانهای بین‌المللی دولتی تأثیر گذار باشند.

محدوده دوم فعالیت این سازمانها به محدوده عمل سازمانهای بین‌المللی مربوط نمی‌شود. با گسترش فزاینده شبکه‌های ارتباطی و مبادله خبر در قرن بیستم میلادی، سازمانهای غیردولتی اصول مورد نظر خود را از طریق ایجاد ارتباط با سازمانهای غیردولتی دیگر متحقق می‌سازند. در این خصوص می‌توان ادعا نمود که ارتباط و کنش متقابل این سازمانها می‌تواند راه را برای ایجاد جامعه مدنی بین‌المللی هموار نماید. از آنجا که این سازمانها مستقل از حاکمیت دولتها هستند با آزادی بیشتری می‌توانند آراء و نظرات خود را درباره مسائل بین‌المللی بیان نمایند. این دو کانال نفوذ یعنی کانال سازمانهای بین‌المللی دولتی و کانالهای مستقل منعکس کننده دو طرز فکر در مورد سازمانهای غیردولتی است. دیدگاه نخست، سازمانهای غیردولتی را بازیگر سومی می‌بیند که از اصول مورد نظر خود از خلال سازمانهای بین‌المللی دولتی دفاع می‌کند. اما دیدگاه دوم این سازمانها را ابزاری برای «تهادینه نمودن حرکتهای جدید پوپولیستی» می‌شناسد.^{۱۶}

سازمانهای غیردولتی قایقهای یدک کش در مجاری بین‌المللی

در محدوده سازمانهای دولتی گاه ممکن است سازمانهای غیردولتی از جدی ترین تهدیدها برای منافع حکومتها باشند و گاهی نیز اگر در راستای منافع ملی تعریف شده حکومتها قرار گیرند می‌توانند دوست آنها تلقی شوند. برای نمونه، یکی از اتهامات کلاسیک که به سازمانهای بین‌المللی غیردولتی زده می‌شود این است که آنها پیشقراولان اندیشه‌های ملی‌گرایانه خاص یا ایدئولوژیهای ویژه می‌باشند. مجموعه‌ای از واکنشهای دولتها و نیز روزنامه‌نگاران در قبال سازمانهای غیردولتی که در

چند موضوع ویژه تخصص دارند. البته این گفته بدین معنا نیست که سازمانهای غیردولتی در ترجیحات خود تعادلی برقرار نمی‌کنند، اما افق کار آنها محدودتر است و اعضای آنها نیز در مقایسه با شهروندان کشورها از لحاظ ایدئولوژیکی تنوع کمتری دارند. می‌توان گفت چون اعضای آنها داوطلبانه به آنها روی آورده‌اند با انگیزه‌تر و خالصانه‌تر عمل می‌کنند و هرگز نمایندگان دولتها نمی‌توانند چنین درجه بالایی از خلوص را به نمایش گذارند.

مجاری اعمال نفوذ سازمانهای غیردولتی

نخستین کانال عمل سازمانهای غیردولتی، سازمانهای بین‌دولتی بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، شورای اروپا و سازمان کشورهای آمریکایی است. این سازمانها مهمترین عرصه شکل‌گیری هنجارهای قانونی بین‌المللی می‌باشند. سازمانهای غیردولتی نیز از این کانالها استفاده می‌نمایند. با وجود این با تکیه به تخصصی که سازمانهای غیردولتی در طول زمان به دست آورده‌اند و با توجه به مداخله فزاینده‌ای که در امور بین‌المللی پیدا نموده‌اند توانسته‌اند حتی در ساختار سازمانهای بین‌المللی دولتی از حکومتها مستقل باشند. برای نمونه سازمانهای غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر ارتباط منظمی با دیپلماتهای فعال در سازمان ملل برقرار می‌کنند و رهنمودهایی را در اختیار آنان قرار می‌دهند؛ دیپلماتهایی که ممکن است خود درباره مسائل حقوق بشر با حقوق بین‌الملل دارای تخصص چندانی نباشند. این سازمانها برای پیشبرد پیشنهادهای خود در ساختار سازمان ملل به تجربه و مهارتی نیاز دارند که در گذر زمان به دست آورده‌اند.

از این گذشته، هر چند دیپلماتها به طور رسمی از دول متبوع خود اطلاعات و دستور می‌گیرند اما اطلاعات آنها می‌تواند از طریق دیگری نیز تأمین شود. این کار را نمایندگان ویژه و متخصص سازمانهای غیردولتی برای آنها انجام می‌دهند، تاحدی که گاه می‌توانند بر موضعگیری دولتها خاصی تأثیر گذارند. این احتمال وجود دارد که در

● سازمانهای غیردولتی در عین حال که ارتباط خود را با نهادهای دولتی قطع نکرده‌اند می‌کوشند تا برای خود، نظام فعالیت و نفوذی جدا از محدوده عمل دولتها بیافرینند.

دهه ۱۹۸۰ میلادی منتشر شده است نشان دهنده تعادل و تساوی مشهودی از اتهام‌زنی به این سازمانها از سوی دایدنولوژی حاکم بر جنگ سرد می‌باشد.^{۱۷} در مقام واکنش به فعالیت‌های عفو بین‌الملل در سال ۱۹۷۶ در مقابله با پدیده شکنجه در کشور اروگوئه در سرمقاله یکی از روزنامه‌های این کشور آمده بود «عفو بین‌الملل موضعگیری خصمانه و یکجانبه‌ای در برابر کشورهای غربی اتخاذ نموده و کاملاً در مقابل تجاوزات و قانون شکنی‌های کشورهای کمونیست مهر سکوت بر لب زده است.»^{۱۸} اما از سوی دیگر، در نوشتار دیگری که در ایزوستیا چاپ شده بود عفو بین‌الملل محکوم شده بود که به ابزاری در دست غرب تبدیل شده است. در این نوشتار آمده بود «عفو بین‌الملل از همان روزهای نخست در ارتباط با سازمانهای مخفی جاسوسی امپریالیستها بویژه در ارتباط با آمریکائیها بوده است و تأمین کننده منافع آنها می‌باشد.»^{۱۹}

از لحاظ تاریخی سازمانهای غیردولتی اهداف بشر دوستانه را در سازمان ملل متحد نمایندگی کرده‌اند. هنگامی که از این سازمانها دعوت شد تا با هیئت آمریکایی درباره ارائه طرح اولیه منشور سازمان ملل متحد همکاری کنند، حضور آنها به عنوان تأمین کننده منافع ملی آمریکا تلقی شد. با وجود این باید گفت حضور سازمانهای غیردولتی باعث شد تا زبان حقوق بشر در منشور سازمان ملل تأمین و حفظ شود و این سازمانها بتوانند با دسترسی مستقیم به سازمان ملل از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی، افکار و اندیشه‌های گوناگون را در شورا منعکس نمایند. کسب موقعیت رسمی مشاوره با شورای اقتصادی و اجتماعی در ۲۱ ژوئن ۱۹۴۶ امتیاز بزرگی برای سازمانهای غیردولتی آمریکایی محسوب می‌شد که با همکاری آنها مبانی حقوق بشر در سطح بین‌المللی ارتقا داده شده بود. این تصور وجود داشت که سازمانهای غیردولتی با موقعیت مشاوره‌ای در شورای مزبور خواهند توانست نماینده اکثر بخشهای مردمی باشند. نمایندگانانی که مستقیماً با زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم سروکار دارند.

تنش ناگزیر وقتی به وجود می‌آید که سازمانهای غیردولتی در صدد برآیند رفتار دولتها را

در سازمانهای بین‌المللی که زیر سلطه کامل دولتها قرار دارند تغییر دهند. البته نهایتاً سازمانهای غیردولتی که در مقام مشاوره و جانبداری قرار دارند تحت الشعاع عملکرد دولتها و سازمانهای بین‌المللی قرار می‌گیرند. قدرت مانور سازمانهای غیردولتی که بطور رسمی شامل تهیه گزارشها، پر کردن شکایت‌نامه‌ها و ارتقاء قانونگذاری بین‌المللی و مشاوره است در مقام مقایسه با قدرت دولتها بسیار اندک است.^{۲۰} سازمانهای غیردولتی در شورای اقتصادی و اجتماعی حق رأی ندارند و در مجمع عمومی سازمان ملل نیز تنها ناظر روند کار هستند. وقتی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تشکیل شد، فعالیت سازمانهای غیردولتی تنها به کارهای تشریفاتی محدود شد.^{۲۱}

اگر چه بطور رسمی سازمانهای غیردولتی دارای محدودیتهای مشارکتی در سازمانهای بین‌المللی هستند با وجود این، سازمانهای بین‌المللی غیردولتی بزرگتر دارای تأثیرات غیرقابل انکاری در خصوص برخی مسائل بین‌المللی می‌باشند. سازمانهای غیردولتی فعالیت دولتها را در زمینه امور بشر دوستانه مؤثر می‌سازند و از سوی دیگر تکمیل کننده منابع فعالیت سازمانهای بین‌المللی دولتی می‌باشند. آنها نهایتاً می‌توانند در زمینه‌ها و اموری که کشورها حساسیت سیاسی برای مداخله در آنها دارند، دخالت یا نظارت نمایند. سازمانهای غیردولتی دارای تخصص و تجربیاتی هستند که در برخی موارد ممکن است دولتها فاقد آنها باشند. در کمیته حقوق بشر، در مقام رسیدگی به شکایات علیه دولتها، سازمانهای غیردولتی اطلاعاتی را به اعضا ارائه می‌کنند که مسئولین کمیته می‌توانند پرسش‌های بهتری را از نمایندگان دولتها در هنگام ارائه گزارش آنها بپرسند. این در حالی است که خبرگان سازمانهای غیردولتی در زمینه مباحث مطرح در سازمانهای بین‌المللی دولتی مشاوره‌های ویژه‌ای در اختیار دولتها قرار می‌دهند.

گذشته از منابع اطلاعاتی و تخصصی که در اختیار سازمانهای غیردولتی می‌باشد، این سازمانها دارای منابع مالی داوطلبانه‌ای هستند که آنها را قادر می‌سازد با سازمانهای بین‌المللی دولتی رقابت کنند. این در شرایطی است که دولتها رغبت

● در برداشت سازمان امنیت و همکاری در اروپا، هنگامی سازمانهای غیردولتی به رسمیت شناخته می‌شوند که در ساختار قانونی کشورهای خود جای گرفته باشند.

در رشد سازمانهای غیردولتی محسوب می‌شود و این در حالی است که فعالیت سازمانهای غیردولتی در خارج از کانالهای موجود در سازمانهای بین‌دولتی صورت می‌پذیرد.

در نمونه‌های بارز، سازمانهای غیردولتی محدوده فعالیت‌های یکدیگر را تکمیل می‌نمایند، چه آنها هدف مشترکی را دنبال می‌کنند. در یک مثال بارز در زمینه حقوق بشر، گروهی از آماردانان «کمیتة آزادی علمی و حقوق بشر» را تحت نظارت «جامعه آماردانان آمریکایی» تشکیل داده‌اند. این کمیته نشریه خبری ویژه‌ای منتشر می‌کند که از طریق آن اعضا به همکاری در شبکه نامه‌نویسی بین‌المللی تشویق می‌شوند.^{۲۴} بدین طریق آماردانان از فعالیت‌های مختلف عفو بین‌الملل حمایت به عمل می‌آورند. جامعه آماردانان با ارائه گزارش‌های تخصصی آماری و تجزیه و تحلیل داده‌های اطلاعاتی بعد تخصصی فعالیت‌های عفو بین‌الملل را هرچه پررنگ‌تر می‌نمایند.

در واقع این شبکه‌های ارتباطی جدید و نیرومند به سازمانهای غیردولتی این شانس را می‌دهد که بین ادامه تقید به سازمانهای دولتی و تعقیب اهداف خود از خلال همکاری با سازمانهای مشابه یکی را انتخاب نمایند. مسلم است که در حالت دوم سازمانهای غیردولتی از آزادی بیشتری برای ابراز نظرات خود برخوردار خواهند شد. برخی از سازمانهای غیردولتی هر دو راه را برگزیده‌اند اما آنچه مسلم است اتکای این سازمانها به کشورهای مختلف و سازمانهای بین‌دولتی در حال کمتر شدن است. این در واقع تجلی همان اندیشه‌ای است که سازمانهای غیردولتی را در نهادینه ساختن حرکتهای پوپولیستی بسیار حائز اهمیت می‌داند.^{۲۵} در واقع در عین حال که سازمانهای غیردولتی ارتباط خود را با نهادهای دولتی قطع نکرده‌اند اما ضمناً می‌کوشند تا برای خود نظام فعالیت و نفوذی جدا از محدوده عمل دولتها بیافرینند.

ارزیابی سازمانهای غیردولتی فعال در

زمینه حقوق بشر

با توجه به نکات گفته شده به عنوان يك مطالعه

چندانی به همکاریهای مالی بین‌المللی از خود نشان نمی‌دهند. هنگامی که سازمانهای بین‌المللی از نظر بودجه و نیروی انسانی لازم در تنگنای شدیدتری قرار می‌گیرند سازمانهای غیردولتی می‌توانند بر اعضای خود برای تأمین این منابع تکیه نمایند. برای نمونه، حجم پرسنل عفو بین‌الملل و بودجه آن، بیشتر از آن است که سازمان ملل متحد در اختیار ارگانهای فعال خود در زمینه حقوق بشر قرار داده است. سرپرست مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو گفته است «کمتر از يك درصد بودجه سازمان ملل و کمتر از ۷۵ درصد از کارکنان آن به فعالیت‌های مربوط به حقوق بشر تخصیص داده شده‌اند... ما از پول کمتر و منابع کمتری در مقایسه با عفو بین‌الملل برخوردار هستیم، در حالی که ما با زوی حقوق بشر سازمان ملل می‌باشیم و این واقعیت تلخ و ناگواری است».^{۲۶}

حقیقت دیگری که از کم بها دادن حکومتها به موضوعات مورد حمایت سازمانهای غیردولتی حکایت دارد عدم تأمین شایسته و مناسب هزینه‌های مالی و نیروی انسانی لازم برای کمیته سازمانهای غیردولتی در شورای اقتصادی و اجتماعی است. از همین رو حجم منابعی که سازمانهای غیردولتی به موضوع حقوق بشر تخصیص داده‌اند در مقایسه با منابع سازمانهای بین‌المللی مزیتی برای سازمانهای غیردولتی به وجود می‌آورد. اما کماکان در بسیاری از موضوعات اعمال نفوذ سازمانهای غیردولتی در سطح بین‌المللی بستگی به این دارد که آن موضوعات در دستور کار سازمانهای بین‌المللی قرار گیرد و همین، سازمانهای غیردولتی را به دولتها وابسته می‌سازد.

نمایندگی نهادینه از حرکتهای پوپولیستی

سازمانهای غیردولتی می‌توانند چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی تأثیرات شگرفی بر موقعیت دولتها بگذارند. این امر تا حدی نتیجه آن است که دولتها نمی‌توانند از سرازیر شدن اطلاعات توسط گروههای بومی به سازمانهای دولتی و غیردولتی درباره حقوق بشر ممانعت به عمل آورند.^{۲۷} در اختیار داشتن اطلاعات عاملی کلیدی

● منابع اطلاعاتی، اقتصادی و فکری سازمانهای غیردولتی آنها را از تخصص ویژه‌ای برخوردار کرده است تا بدان حد که می‌توانند خود را در زمینه‌هایی که در گذشته صرفاً در قلمرو اختیار دولتها بوده است صاحب قدرت بدانند.

مانند انجمن پزشکان اشاره نمود.^{۲۸} همچنین برخی از سازمانها و تشکیلات به مرور زمان و با تغییر اوضاع و شرایط به سازمانهای حقوق بشر تغییر ماهیت داده‌اند. برای نمونه مادران «پلازا دمایو» که علی‌الاصول يك انجمن محلی بود و بعداً به فدراسیون خانواده‌های مفقودالاشرها در آمریکای لاتین تبدیل شده‌اند، آنها در زمینه‌های محلی و بومی فعال است بلکه در زمینه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در مسائل مشابه به فعالیت می‌پردازد.

سازمانهای غیر دولتی فعال در زمینه حقوق بشر و سازمان ملل متحد

در تجربه جامعه ملل، سازمانهای غیر دولتی حقوق بشر به آن دسترسی داشتند. چنین تجربه‌ای باعث شد که این سازمانها در نظام سازمان ملل متحد نیز توسعه و گسترش یابند. همانطور که اشاره شد هیئت نمایندگان آمریکای سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۶ که طرح اولیه منشور را تنظیم می‌کرد از سازمانهای غیر دولتی نیز دعوت به همکاری نمود. ماده ۷۱ منشور ناظر بر رابطه این سازمانها با سازمان ملل می‌باشد. به هر حال شاید این اقدام بخصوص در زمینه حقوق بشر که عرصه تنازع میان دولتها و گروههای فشار است اقدامی رادیکال باشد. چنین رابطه‌ای می‌تواند باعث ایجاد تنش در سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی شود. برای نمونه در سال ۱۹۹۳ هنگامی که سفیر اندونزی رئیس برخی از جلسات کمیسیون بود سازمانهای غیر دولتی تیمور شرقی نیز در آنجا حضور داشتند و به بیان مسائل و مشکلات خود در رابطه با دولت جاکار تا پرداختند. سفیر اندونزی در مقام رئیس کمیسیون مجبور بود بدون ایجاد ممانعت یا اعتراض به آنها مهلت دهد تا نظرات خود را بیان کنند.

بطور رسمی سازمانهای غیر دولتی در مقام مشاوره با شورای اقتصادی و اجتماعی قرار دارند و می‌توانند در ملاقاتها و جلسات عمومی این شورا و سازمانهای فرعی آن شرکت کنند. این سازمانها می‌توانند بیانات شفاهی یا بیانیه‌های کوتاه کتبی ارائه نمایند البته به شرطی که به‌زبان مقبول سازمان ملل متحد بیان شده باشد. بدیهی است چنین

موردی به ارزیابی عملکرد سازمانهای غیر دولتی فعال در زمینه حقوق بشر می‌نشینیم. همانطور که اشاره شد سازمانهای غیر دولتی فعال در زمینه حقوق بشر تنها محصول نظام سازمان ملل متحد نیستند. در این رابطه جامعه ضدبردگی که در سال ۱۸۳۷ میلادی تأسیس شد اولین سازمان غیر دولتی فعال در زمینه حقوق بشر محسوب می‌شود. اما تأسیس عفو بین‌الملل در سال ۱۹۶۱، آغاز توسعه واقعی سازمانهای غیر دولتی در زمینه حقوق بشر محسوب می‌شود. شایان ذکر است که در کنفرانس جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۹۳ در وین تشکیل شده بود بیش از هزار و پانصد سازمان غیر دولتی حقوق بشر شرکت کردند.^{۲۶}

در رابطه با اینگونه سازمانها این پرسش مطرح می‌شود که چه تفاوتی میان آنها و گروههای فعال سیاسی وجود دارد. در يك نظر گفته می‌شود که گروههای سیاسی غالباً و نوعاً به دنبال تأسیس و حمایت از حقوق و ابستگان خود هستند اما گروههای حقوق بشر به دنبال حمایت از حقوق همه افراد جامعه می‌باشند. وانگهی، گروههای سیاسی غالباً به دنبال آنند که منافع خاص خود را افزایش دهند یا برنامه‌های خود را عملی سازند اما در مقابل، گروههای حقوق بشر می‌کوشند تا روند فعالیت‌های سیاسی را برای همه گروهها و افراد اجتماع باز نمایند. به عبارت دیگر تفاوت اصلی اینگونه سازمانها با گروههای سیاسی در جامعیت و شمول آنهاست.^{۲۷}

همه گروههای فعال در زمینه حقوق بشر دارای موقعیت مشاوره‌ای در ارتباط با سازمان ملل متحد نمی‌باشند. بسیاری از این گروهها بطور محلی عمل می‌کنند و کارهای گوناگونی از قبیل بسیج منافع گروهی، آموزش مردم، و کالت و... انجام می‌دهند. در صورت مهیا بودن شرایط این گروهها می‌کوشند نمایندگان در پارلمان و حضور فزاینده‌ای در مطبوعات داشته باشند.

باید گفت سازمانهایی وجود دارند که علی‌الاصول جزو سازمانهای حقوق بشری محسوب نمی‌شوند اما ممکن است در مناسبتهای خاصی در زمینه حقوق بشر به فعالیت بپردازند. برای نمونه، می‌توان به اتحادیه‌های کارگری که گاه اهداف فراملی پیدا می‌کنند یا انجمنهای تخصصی

● سازمانهای غیر دولتی مدعی مشروعیت فراتر از مشروعیت دولتها هستند چرا که خود را نمایندگان مستقیم مردم می‌دانند.

در باره حقوق کودکان بسیار حائز اهمیت است. این سازمانها در تلاشند که حقوق کودکان را در سطح بین‌المللی توسعه و ارتقاء دهند و بویژه از پدیده سر باز گیری کودکان جلوگیری به عمل آورند.^{۳۱}

ب. نظارت بر اجرای معاهدات و موافقتنامه‌ها سازمانهای غیردولتی غالباً دولت‌ها را دروغگو می‌دانند و معتقدند، حتی کشورهای به ظاهر دموکراتیک همواره در تلاشند که موارد نقض حقوق بشر را مخفی سازند. بنابراین برای اجرای معاهدات و موافقتنامه‌های بین‌المللی حقوق بشر که دولتهای مختلف به عضویت آن درآمده‌اند تأکید زیادی بر گزارشهای سازمانهای غیردولتی می‌شود.

اگر چه در ابتدا سازمانهای غیردولتی نقش رسمی در نظارت بر معاهدات حقوق بشر نداشتند. اما کم‌کم این نقش شکل گرفته و پررنگ‌تر شده است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فعالیت این سازمانها آشکارتر شده و رسمیت یافته است. بر این اساس در بیانیه کنفرانس ۱۹۹۳ حقوق بشر در وین نقش این سازمانها در اجرای معاهدات شناخته شده و آنها نقش مهمی در ارائه گزارش در مورد عملکرد دولتهای عضو در سطوح ملی دارا هستند و می‌توانند اطلاعات را در دسترس سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای ناظر بر معاهدات حقوق بشر قرار دهند.^{۳۲}

اگر چه روند، مراحل و نحوه مداخله سازمانهای غیردولتی متفاوت است اما نکته مهم این است که مداخله این سازمانها امری پذیرفته شده است. درباره سازمان ملل متحد و سازمانهای غیردولتی باید گفت که نامیدن سازمان ملل به عنوان يك سازمان بین‌دولتی تا حدی گمراه کننده است و دستکم در مورد موضوعات حقوق بشر، بسیاری از زیرمجموعه‌های سازمان مربوط به نمایندگان متخصص غیر وابسته به دولتهاست، و این ترکیب گاهی باعث ایجاد تنش میان سازمانهای غیردولتی و دولتها می‌شود. گاه نیز این سازمانها به دول کمک می‌کنند تا گزارش‌هایی را در خصوص حقوق بشر برای سازمان ملل متحد تهیه کنند.

پ. تشکیل گروههای سیاسی فعالیت‌های مربوط به حقیقت‌یابی (fact - finding) یکی از فعالیت‌های برجسته

اظهاراتی می‌تواند نهایتاً به عنوان اسناد رسمی سازمان ملل متحد منتشر شود. البته نباید پنداشت که پرسروصداترین سازمانهای غیردولتی، مؤثرترین آنها هستند. شاید مؤثرترین سازوکارهای حقوق بشر زمانی به نتیجه برسد که فعالیت‌های پشت پرده به ثمر رسیده باشد. این فعالیتها عبارتند از مذاکرات نمایندگان دولتها، طراحی قطعنامه‌ها و امور مربوط به مراکز حقوق بشر سازمان ملل متحد. البته بی‌شک کل نظام حقوق بشر سازمان ملل بدون سازمانهای غیردولتی فلج خواهد شد.

شاید بتوان نقش سازمانهای غیردولتی در زمینه حقوق بشر را چنین برشمرد: ارتقاء دانش در رابطه با حقوق بشر، تشخیص مسائل و رفع موانع موجود در راه حمایت و استیفای حقوق بشر، و تلاش برای قانون‌گذاری و اعمال آن در کشورهای مختلف.^{۳۹} در حیطه سازمان ملل متحد، این سازمانها در صددند مردم را از حقوق خود مطلع سازند و به آنان بیاموزند که چگونه می‌توانند این حقوق را به واقعیت مبدل سازند؛ اشخاص قربانی را شناسایی کنند و از آنها حمایت به عمل آورند، طرح دادخواست نمایند و بر اجرای حقوق بشر نظارت کنند، راجع به نقض حقوق بشر تحقیق کنند و گزارش دهند. این سازمانها می‌کوشند تا سیاست خارجی کشورها را بر ضد دولتهایی که ناقض حقوق بشر هستند بسیج کنند. گروههای ذینفوذ را متحد سازند و در مورد حقوق بشر استانداردهای لازم را تدوین نمایند.^{۳۰} این نقشهای مختلف را می‌توان تحت سه عنوان شکل دادن به استانداردها، نظارت بر اجرای معاهدات و موافقتنامه‌ها، و تشکیل گروه‌های سیاسی دسته‌بندی کرد.

الف. شکل دادن به استانداردها

سازمانهای غیردولتی می‌توانند با فعالیت‌های گوناگون به استانداردهای مربوط به حقوق بشر شکل دهند. شاید روشن‌ترین مثال، نقش عفو بین‌الملل و کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان در شکل دادن به اعلامیه و قرارداد اقدام بر ضد شکنجه باشد. در این باره، فعالیت عفو بین‌الملل که به شکل‌گیری این قرارداد منتهی شد بسیار چشمگیر بود. همچنین نقش سازمانهای غیردولتی در طراحی کنوانسیون سال ۱۹۸۹

● سازمانهای غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر تأکید عمده‌ای بر پای‌بندی دولتها به هنجارهای حقوق بشر دارند و در نتیجه به مجاری بین‌دولتی برای عمل مؤثر امیدوارانه‌تر می‌نگرند ولی سازمانهای فعال در زمینه محیط زیست به میزان بسیار کمتری به مجاری اقدام دولتی توجه دارند و سعی می‌کنند هر چه بیشتر به شکل مستقل عمل نمایند.

سازمانهای غیردولتی در زمینه حقوق بشر محسوب می‌شود. این امر از آن‌روست که این سازمانها هم به‌طور مستقیم از طریق شبکه‌های مرتبط با یکدیگر و هم از طریق تماسهای مستقیم اطلاعات مطلوب را به‌دست می‌آورند. بزرگترین چالش برای این گروهها تلاش دولتهای ناقض حقوق بشر برای پنهان نمودن یا چشم‌پوشی از خطاهایشان است. برای نمونه در فاجعه‌رواندا، کشورهای اروپایی عمدتاً بر اطلاعات به‌دست آمده از سازمانهای غیردولتی تکیه می‌کردند و کمتر بر منابع فعال خود متکی بودند. از این نظر سازمانهای غیردولتی بسیار ضربه‌پذیرند و اگر اطلاعات نادرستی ارائه دهند این امر ممکن است به اعتبار آنها صدمات غیرقابل جبرانی وارد نماید. باید توجه داشته باشیم که اعتبار بزرگترین سرمایه اینگونه سازمانهاست.

با ایجاد نهاد کمیساریای عالی حقوق بشر، ابتکارات و نوآوریهای عفو بین‌الملل در کنفرانس جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به ثمر رسید. در روندی مشابه بسیاری از سازوکارهای موجود مانند گروه کاری سر به‌نیست‌شدگان با فشارهای مستمر سازمانهای غیردولتی و اطلاعات ارائه شده توسط آنان شکل گرفت.

محدودیت‌های سازمانهای غیردولتی

آشکارترین محدودیت عمل سازمانهای غیردولتی این است که «دولتها در محدوده قلمرو خود یگانه نهاد اجراکننده کنوانسیونهای بین‌المللی و احترام به حقوق بشر محسوب می‌شوند»^{۳۳} البته بی‌شک سازمانهای غیردولتی از طریق افکار عمومی و با ایجاد فشارهای گوناگون بطور مستقیم یا غیرمستقیم از گروههای مهم ذی‌نفع در زمینه حقوق بشر هستند. اما نهایتاً این سازمانها نمی‌توانند خود مستقیماً وضعیت حقوق بشر را مساعد سازند یا دولتها را مجبور به انجام کاری کنند. غالباً دولتها در مقابل گزارشهای نقض حقوق بشر بی‌تفاوت می‌مانند و بطور کلی منکر همه چیز می‌شوند و بدین ترتیب از انجام واکنش مناسب و لازم طفره می‌روند.

از سوی دیگر، دولتها به‌طور مستقیم محدودیت‌های بیشتری برای سازمانهای غیردولتی ایجاد می‌کنند. همانطور که ذکر شد سازمانهای غیردولتی از دست‌یازی مستقیم به روندهای بین‌المللی حقوق بشر محرومند. تقسیم سازمان ملل متحد به ژنو (حقوق بشر) و نیویورک (صلح، امنیت و پاسداری از صلح) باعث می‌شود تا از لحاظ فیزیکی و مفهومی تلفیق این دو برای سازمانهای غیردولتی مشکل باشد.

از سوی دیگر حجم کوچک بسیاری از این سازمانها و وابستگی شدید آنها به برخی از اشخاص باعث می‌شود تا آنها هرچه ضربه‌پذیرتر باشند. همواره این‌گونه سازمانها برای ادامه حیات خود وابسته به کمکهای مالی اعضا و غیراعضا هستند. این نیازمندی فیزیکی از نقاط ضعف سازمانهای غیردولتی محسوب می‌شود. البته بسیاری از این مشکلات و محدودیتها مسائلی هستند که مبتلا به سازمان ملل متحد نیز هست. هر اندازه رژیمهای سیاسی از لحاظ نهادهای مربوط به حقوق و آزادیهای اساسی بسته‌تر باشند گسترش فعالیت حقوق بشر در قالب سازمانهای غیردولتی دشوارتر خواهد شد. باید اجازه تشکّل وجود داشته باشد تا بتوان به تبادل اطلاعات در داخل و خارج کشور پرداخت. اگر محدودیتهایی در مورد آزادی تشکّل و آزادی بیان وجود داشته باشد فعالیت‌های مربوط به حقوق بشر توسط سازمانهای غیردولتی بیشتر محدود خواهد شد. با همه این مشکلات از لحاظ کمی سازمانهای غیردولتی رشد فزاینده‌ای داشته‌اند. برای نمونه ده‌هزار سازمان غیردولتی در بنگلادش، بیست‌ویک‌هزار در فیلیپین و بیست‌وهفت‌هزار در شیلی وجود دارد که گرچه بسیاری از آنها سازمانهای مربوط به حقوق بشر نمی‌باشند ولی همین رشد نشان‌دهنده احترام‌گذاری هرچه بیشتر دولتها به حقوق و آزادیهای اساسی مردم است.^{۳۴}

نتیجه‌گیری

رابطه میان دولتها و سازمانهای غیردولتی رابطه پیچیده‌ای است. می‌توان گفت که سازمانهای غیردولتی بدون همکاری دولتها نمی‌توانند چیز

● **مداخله بازیگران داخلی به سازمانهای غیردولتی اجازه می‌دهد تا از درون مرز به حکومتها فشار آورند و آنها را با بحران مشروعیت مواجه سازند.**

یادداشت‌ها:

۱. بر پایه ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی، اجتماعی می‌تواند توافقات لازم را برای مشاوره با سازمانهای غیردولتی در جهت ایفای وظایف خود به عمل آورد.

۲. در رابطه با تعریف اینگونه سازمانها و ارتباط آن با فرهنگهای مختلف ببینید:

H. Tolley Jr., "Popular Sovereignty and International Law: ICJ Strategies for Human Rights Standards", **Human Right Quarterly**, 11 (1989), pp. 561-585.

۳. در مورد سند این موضوع مراجعه شود به:

Document of the Moscow Meeting of the Conference on the Human Dimension of the CSCE, 1991, Para, CSCE, Helsinki Decision 1992, ch.1, para 16.

۴. به عنوان نمونه درباره مسائل به وجود آمده مراجعه شود به:

R. Brett, "NGOs and the Human Dimension of the CSCE", **CSCE ODIHR Bulletin**, 1 (1992/1993), 1-6, R. Brett, "Non-Governmental Organization and the CSCE", **Helsinki Monitor**, 3 (1992), pp.19-24.

۵. مشخصات این سند بدین شرح است:

UN Economic and Social Council Resolution, 1296 "Arrangement for Consultation With Non-Governmental Organizations of 23 May 1968.

۶. برای جزئیات بیشتر ر.ک. به:

ECOSOC Resolution 1296, 4.

۷. برای جزئیات بیشتر ر.ک. به:

Ibid., para 8.

۸. در این خصوص ر.ک. به:

Kathryn Sikkink, "Human Rights, Principled Issue Network and Sovereignty in Latin America", **International Organization**, 47. no.3 (Summer 1993), pp.411-41.

۹. برای نمونه ر.ک. به:

Alexander Wendt, "Anarchy Is What States Makes of It: The Social Construction of Power Politics", **International Organization**, 46.no.2 (Spring 1992), pp. 391-425.

۱۰. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک. به:

Ann Marie Clark, **Strong Principles, Strengthening Practices: Amnesty International and Three Cases of Change in International Human Rights Norms**, University of Minnesota, 1995.

۱۱. در این باره ر.ک. به:

Mark W. Zacher and Brent A. Sutton, "Mu-

زیادی به دست آورند. از سوی دیگر اگر قرار باشد رضایت دولتها حاصل شود وجهه و ارزش این سازمانها در دیدگاه عموم پائین خواهد آمد. این در حالی است که سازمانهای غیردولتی گاه مجبور می‌شوند به دیپلماسی و فعالیتهای مختلف سیاسی دست بزنند که این قضیه بدور از ماهیت و شأن سازمانهای غیردولتی است.

سازمانهای غیردولتی مدرن بالقوه از تواناییهای لازم برای تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر محدوده فعالیتهای بین‌المللی برخوردارند، اما مسلم است که کماکان محدوده سیاستگذاریهای دولتی مرکز اصلی و محوری برای هماهنگ نمودن فعالیتهای درباره مسائل بین‌المللی مانند حقوق بشر و محیط زیست باقی خواهند ماند. البته همکاری و مشارکت سازمانهای غیردولتی با سازمانهای رسمی بین‌المللی می‌تواند آنها را به نهادی مردمی برای فعالیت شهروندان کشورهای مختلف تبدیل نماید.

گسترش افق اقتدار سازمانهای غیردولتی تا حد زیادی با افق اقتدار سازمانهای بین‌المللی دولتی رابطه مثبت دارد. بنابراین حمایت رو به کاهش دولتها از سازمانهای بین‌المللی در درازمدت تأثیرات منفی بر سازمانهای غیردولتی نیز خواهد گذاشت. این در حالی است که فعالیت سازمانهای غیردولتی موازی فعالیتهای سازمانهای بین‌المللی است. سازمانهای غیردولتی نقش عمده‌ای در ارائه اطلاعات خالص یا فهم فرهنگی مطالب بویژه درباره حقوق بشر، محیط زیست و توسعه ایفا می‌کنند. دولتهایی که مشاوره با سازمانهای غیردولتی را می‌پذیرند می‌توانند ملاحظات انتقال داده شده را به سازمانهای بین‌المللی منعکس نمایند.

در حالی که فعالیت این سازمانها در خصوص حقوق بشر غالباً توسط دولتها به فراموشی سپرده می‌شود یا مورد چالش قرار می‌گیرد کماکان به ارتباط میان سازمانهای غیردولتی، بین‌المللی و گروههای داخلی نیاز است تا این سازمانها بتوانند نفوذ خود را حفظ نمایند. ادامه حیات سازمانهای غیردولتی در زیر سلطه رژیمهای سیاسی سرکوبگر دشوار به نظر می‌رسد اما ادامه تماس با سازمانهای بین‌المللی ضامن حیات فیزیکی و سیاسی آنهاست.

● در بنگلادش ده هزار، در فیلیپین بیست و یک هزار، و در شیلی بیست و هفت هزار سازمان غیردولتی وجود دارد که گرچه بسیاری از آنها سازمانهای مربوط به حقوق بشر نیستند ولی همین رشد، نشان دهنده احترام هر چه بیشتری است که دولتها به حقوق و آزادیهای اساسی مردم می‌گذارند.

● سازمانهای غیر دولتی
فعال در زمینه حقوق بشر و
محیط زیست می توانند
حاکمیت دولتها را از خلال
فعالیت های خود به
مخاطره اندازند.

on Human Rights” in E. Laurd (ed.), **The International Protection of Human Rights** (London: Thames and Hudson, 1967), pp. 160-182.

۲۷. برای مطالعه بیشتر درباره نظرات مختلف در این زمینه ر.ك. به:

L. Wiseberg, “Protection Human Rights and NGOs: What More Can Be Done?”, **Human Rights Quarterly**, 13 (1991), pp. 525-544.

۲۸. در این باره ر.ك. به:

D. Forsythe, “Protecting Human Rights: The Private Sector” in D. Forsythe (ed.), **Human Rights in World Politics** (Lincoln University of Nebraska, 1989), pp. 83-102.

۲۹. برای بسط این تعریف ر.ك. به:

U. Dolgopol, “Human Right Activist Organization and Protection of Human Rights”, in **Collection of Lectures** (Strasburg, International Institute of Human Rights, 1986).

۳۰. درباره نقش این سازمانها ر.ك. به:

F. Ermacora, “Non - Governmental Organization and the Protection of Human Rights” in F. Matscher and H. Petzold (ed.s). **Protecting Human Rights: The European Dimension** (Cologne; Heymannes, 1990), pp. 171-80.

۳۱. درباره نقش فزاینده این سازمانها در زمینه احقاق حقوق کودکان ر.ك. به:

O. Price Cohen, “The Role of Non-Governmental Organizations in the Drafting of the Convention on the Rights of the Childs”, **Human Rights Quarterly**, 12 (1990), pp.137-47.

۳۲. درباره مواد این اعلامیه در کنفرانس ۱۹۹۳ وین ر.ك. به:

Recommendation for Enhancing the Effectiveness of United Nations Activities and Mechanisms: Vienna Statement of the International Human Rights Treaty Bodies, (A/Conf. 157/Tbb/4) of 16 June 1993, para. 16.

۳۳. در این باره ر.ك. به:

Y. Beigbeder, **The Role and Status of International Humanitarian Volunteers and Organizations** (Dordrecht, Nijhoff, 1991).

۳۴. این آمار و ارقام مربوط است به:

Statement by the Secretary General on the Occasion of the Forty - Seventh Conference of Non- Governmental Organizations, New York, 20 September 1994 (SG/SM/94/142).

tual Interests and International Regimes: Patterns of Regime Development in International Transportation and Communications Industries, American Political Association (New York: 1994).

۱۲. به عنوان يك نمونه كار كلاسيك در این زمینه ر.ك. به: Stephen Krasner (ed.) **International Regimes**, Itach: Cornell University Press, 1983.

۱۳. در این باره ر.ك. به:

Jack Donnelly, “International Human Rights: A Regime Analysis”, **International Organizations**, 40, no.3 (Summer 1986), pp.599-642.

۱۴. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ك. به: Rachel M. Mc Leary, “The International Community’s Claim to Rights in Brazilian Amazonia”, **Political Studies**, 34, no.4 (December 1991), pp. 691-707.

۱۵. در این باره ر.ك. به:

David Halloran Lumsdaine, **Moral Vision in International Politics** (Princeton: Princeton University Press, 1993).

۱۶. درباره این اندیشه، ر.ك. به:

Ellen Dorsey and Bruno Piggot, “The UN System and NGOs: New Relationship for a New Era?” in **The UN System and NGOs: New Relationship for a New Era?** (New York: The Stanley Foundation, 1994), p.15.

17. **Ai in Quotes** (London: Amnesty International Publication, 1985).

18. **Ibid.**

19. **Ibid.**

۲۰. در این خصوص و برای مطالعه بیشتر ر.ك. به:

Thomas Buergenthal, **International Human Rights in a Nutshell** (St. Paul, MN: West Publishing, 1988), pp. 249-272.

۲۱. در این باره ر.ك. به:

Philip Alston, “The UN’s Human Rights Record: From San Francisco to Vienna and Beyond”, **Human Rights Quarterly**, 16, no.2 (May 1994), pp.376-82.

22. Ibrahim Fall, quoted by Paul Lewis in “Splits May Dampen Rights Conference”, **The New York Times**, 6 June 1993, p.14.

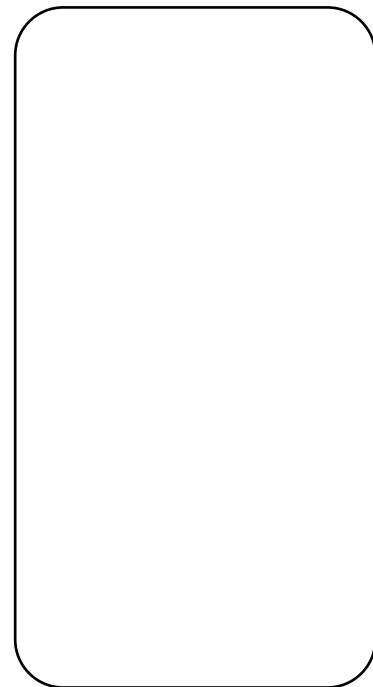
23. Philip Alston, **op. cit.**, p. 379.

۲۴. این گروه در عفو بین الملل Urgent Action نام دارد که در صورت تخطی از حقوق بشر، دولت خاطی را هدف سیل نامه های اعتراض آمیز قرار می دهد.

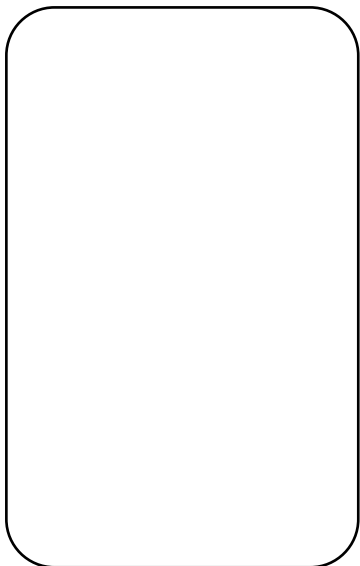
25. Dorsey and Piggot, **op. cit.**, p.15.

۲۶. برای کسب اطلاع بیشتر در مورد این سازمانها ر.ك. به:

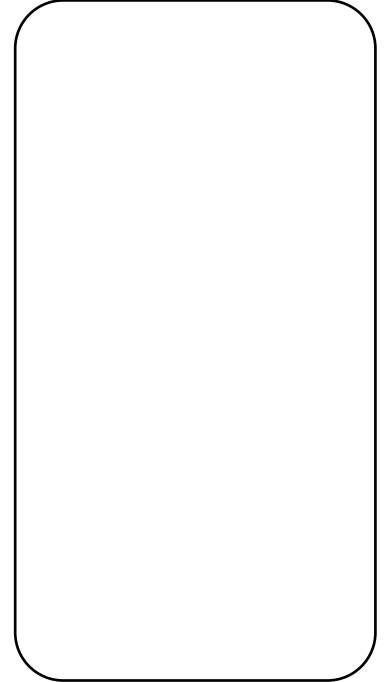
P. Archer, “Action by Unofficial Organization



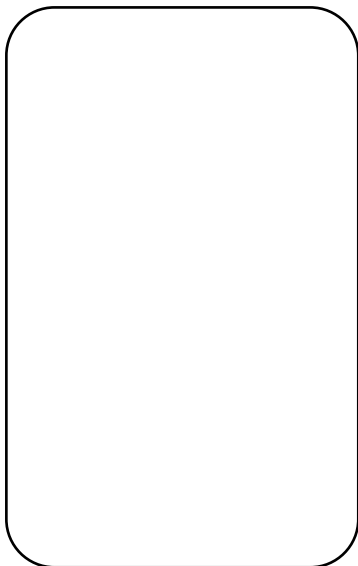
پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



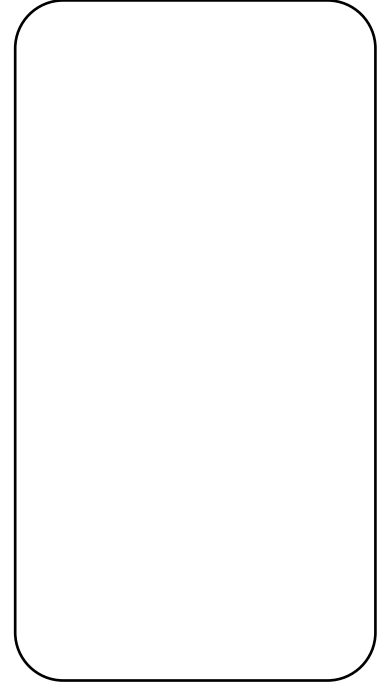
پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



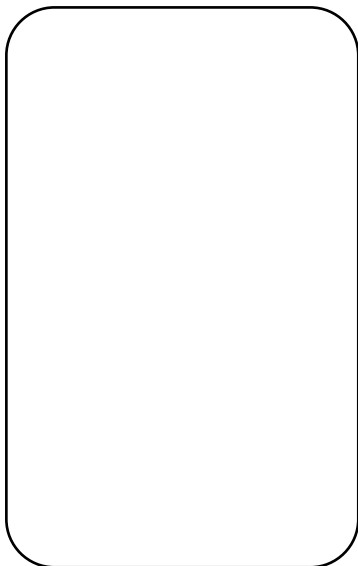
پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



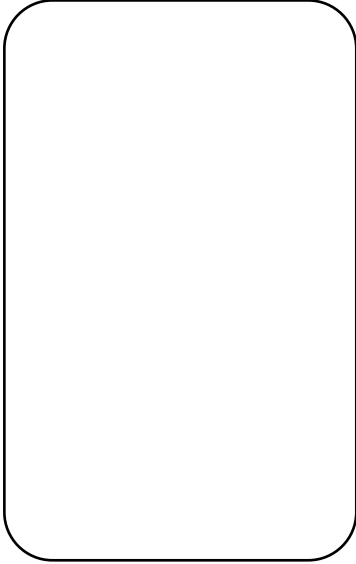
پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



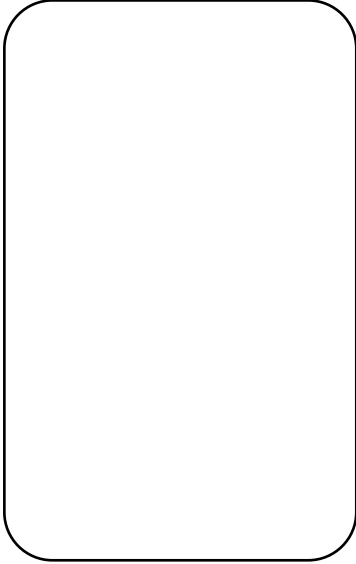
پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی